

The Unity and Congregation in the Realm of Imam Hussain's Movement *

Research Article

Emamatpajouhi,
Twelfth year, vol .1
spring & summer & winter 2022
DOI: 10.22034/
jep.2021.241889.1212
jep.emamat.ir



Sayed Reza Moayedi ¹/Muhammad Amin Hakemi²

Abstract:

Protection of *Jama'ah* (the congregation), mostly known as *Wahdah* (unity) nowadays, is one of the authentic Islamic doctrines that has always had a special position among Muslims. The infallible Imams (PBUH) have expressed numerous instructions and recommendations to preserve unity and avoid schism. However, it is worth noting that the oppressing rulers have generally misused this principle as a pretext and sometimes as leverage for political enforcement. Meanwhile, Imam Hussain (PBUH) has taken the doctrine of protecting Muslim congregations into consideration within one of the most prominent periods of Islamic history as well as mentioned it in His words. His acts and words on the way from *Medina* to *Makkah* and from *Makkah* toward *Karbala* consist of significations by which we can make a model for protecting the congregation and unity when we study them. This paper makes an effort to extract the elements and features of this doctrine by studying the signification of historical and traditional propositions related to Imam Hussein's (PBUH) movement. The findings of this study, extracted from historical and traditional propositions, contain the congregation formed around the infallible Imam (PBUH), the general characteristics of the congregation, and then the opposite concept of the congregation i.e. schism. Consequently, *Wahdah* finds meaning based on Imam Himself (PBUH) in this conceptual sphere.

Keywords: Imam Hussain (PBUH), Life History, Unity, Congregation, Schism

*Date of receipt: 14/12/2022, Date of acceptance: 02/02/2023.

1. Corresponding author; M.A. Candidate, Department of Political Thought, Faculty of Islamic Educations and Political Sciences, Imam Sadiq University, Tehran, Iran, srmoayedi1378@gmail.com

2. Ph.D. Candidate, Faculty of Islamic Educations and Political Sciences, Imam Sadiq University, Tehran, Iran, m.a.hakemi@isu.ac.ir

الوحدة والجماعة في امتداد حركة الإمام الحسين عليه السلام *

السيد رضا مؤيدي (المؤلف) ^١ / محمد أمين حاكمي ^٢

الخلاصة

المحافظة على جماعة المسلمين واجتماع كلمتهم إحدى العقائد الإسلامية الأصيلة، والتي كانت لها مكانة متميزة دائماً عند المسلمين، هذه العقيدة تُعرف اليوم غالباً باسم: "الوحدة". وقد وردت عن أئمتنا المعصومين عليهم السلام العديد من التوجيهات والتوصيات لحفظ جماعة المسلمين واجتناب تفرقهم، لكن المثير للاهتمام هو أن الطواغيت جعلوا من هذا الأصل شماعة لاستغلالهم السلطة، وفي بعض الأحيان وسيلة للضغط السياسي على خصومهم. وفي هذا الشأن كان الإمام الحسين عليه السلام، في إحدى أخطر فترات تاريخ الإسلام، مراعيًا للعقيدة ومبدأ حفظ جماعة المسلمين في حركته، وأشار إليه في خطاباته. إن كلام الإمام وتصرفاته في رحلته من المدينة إلى مكة، ومن مكة إلى كربلاء، يحمل دلالات عديدة، يمكن من خلال دراستها رسم قدوة ونموذج لحفظ الجماعة. هذا البحث يسعى لاستخراج عناصر ومعالم هذا المبدأ وهذه العقيدة باعتماد الدلالات الفكرية للنقولات التاريخية والروائية المرتبطة بحركة الإمام الحسين سيد الشهداء عليه السلام، ونتائج المستخرجة من هذه النقولات تشتمل على: الجماعة هي حول الإمام، وسمات الجماعة بشكل عام، وفي النهاية: المفهوم المقابل للجماعة، أي: الفرقة. والنتيجة، في ساحة المفاهيم هذه، يتحقق معنى: الوحدة حول الإمام. **الكلمات الرئيسية:** الإمام الحسين عليه السلام، السيرة، الوحدة، الجماعة، الفرقة (التفرقة، الانقسام)

* تاريخ الاستلام: ١٤ ديسمبر ٢٠٢٢م. تاريخ القبول: ٢ فبراير ٢٠٢٣م.

١. طالب ماجستير من قسم الفلسفة السياسية في كلية المعارف الإسلامية و السياسية بجامعة الإمام الصادق عليه السلام، محافظة طهران، إيران srmoayed1378@gmail.com
٢. طالب دكتوراه من قسم فلسفة سياسية في كلية المعارف الإسلامية و السياسية بجامعة الإمام الصادق عليه السلام، محافظة طهران، إيران m.a.hakemi@isu.ac.ir

مقالة محكمة

امامت پژوهشی
السنة الثانية عشرة
العدد الأول، الربيع
والصيف سنة ٢٠٢٢

jep.emamat.ir



copyright © the authors

وحدت و جماعت در گسترهٔ نهضت امام حسین علیه السلام *

سیدرضا مؤیدی^۱ / محمدمبین حاکمی^۲

مقاله پژوهشی

دوفصلنامه علمی-پژوهشی
امامت پژوهی، سال دوازدهم
شماره اول، شماره پیاپی ۳۱
بهار و تابستان ۱۴۰۱
صفحه ۲۷۱ - ۳۰۲

jep.emamat.ir

DOI:10.22034/jep.2021.241889.1212



چکیده

حفظ جماعت از جمله آموزه‌های اصیل اسلامی است که همواره در میان مسلمانان جایگاهی ویژه داشته است؛ آموزه‌ای که امروز بیشتر با نام «وحدت» شناخته می‌شود. ائمه معصومین - صلوات الله علیهم اجمعین - دستورات و سفارش‌های متعددی در حفظ جماعت و اجتناب از تفرقه داشته‌اند. اما جالب توجه است که حگام جور هم عموماً از این اصل به مثابه دست‌آویز، و در مواردی به عنوان اهرم فشار سیاسی سوءاستفاده کرده‌اند. در این میان، امام حسین علیه السلام در یکی از خطرناک‌ترین برهه‌های تاریخ اسلام، آموزه حفظ جماعت مسلمین را در حرکت خود لحاظ کرده و در سخنان خود بدان اشاره فرموده است. قول و فعل آن حضرت در مسیر مدینه تا مکه و از مکه تا کربلا، شامل دلالت‌هایی است که با مطالعه آن، می‌توان الگویی از حفظ جماعت را ترسیم کرد. این پژوهش می‌کوشد با دلالت پژوهی گزاره‌های تاریخی و روایی مربوط به نهضت سیدالشهدا علیه السلام، عناصر و مختصات این اصل را استخراج کند. یافته‌های این پژوهش که مستخرج از گزاره‌های تاریخی و روایی است، دربردارنده جماعت حول امام، ویژگی‌های کلی جماعت و نهایتاً مفهوم مقابل جماعت؛ یعنی تفرقه است. نتیجه آن‌که در این عرصه مفهومی، وحدت بر مدار امام معنا می‌یابد.

کلیدواژه‌ها: امام حسین علیه السلام، سیره، وحدت، جماعت، تفرقه.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۲۳، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۱۳.

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه اندیشه سیاسی، دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی، دانشگاه امام صادق علیه السلام، تهران، ایران، (نویسنده مسئول) srmoayedi1378@gmail.com

۲. دانشجوی دکترا، دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی، دانشگاه امام صادق علیه السلام، تهران،

ایران m.a.hakemi@isu.ac.ir

مقدمه

«وحدت» یکی از مهم‌ترین و البته بحث‌برانگیزترین مفاهیمی است که در طول تاریخ اسلام مورد توجه بوده است. اما پس از انقلاب اسلامی ایران، مباحثات بسیار بیشتری حول این مفهوم شکل گرفته و جایگاه کنونی آن در بین علمای مسلمان، تا حدود زیادی مرهون گفتمان‌سازی نظام جمهوری اسلامی طی دهه‌های اخیر است. با عنایت به منابع دینی می‌توان دریافت که این مفهوم از پشتیبانی نظری جدی برخوردار است؛ اما نویسندگان این مقاله عمده‌اً از کاربست واژه «وحدت» احتراز می‌کنند و در عوض، از واژه‌های «جماعت» و «اجتماع» استفاده خواهند کرد. این پرهیز عامدانه دو علت اصلی دارد؛ اولاً، واژه «وحدت» بارهای معنایی گوناگونی دارد که اولین آن‌ها، یکی بودن و یکی شدن است.^۱ این در حالی است که همواره تأکید شده و در این مقاله نیز خواهد آمد که مقصود، هضم اختلافات اساسی و ادغام در یکدیگر و یا محو مرزبندی‌های اعتقادی نیست. بنابراین استفاده از واژه‌ای با این بار معنایی نیز لزومی ندارد. علت دوم، عدم کاربرد واژه «وحدت» در ادبیات روایی و مرسوم نبودن آن در متون دینی به معنای مورد نظر است؛ در صورتی که «حفظ جماعت و اجتماع مسلمین» در ادبیات روایی، پراستفاده می‌نماید و پژوهش حاضر نیز، در پی بررسی این مفهوم در روایات و تاریخ مربوط به نهضت سیدالشهدا علیه السلام است. با وجود آن‌که نقل‌های به‌جامانده از تاریخ امام حسین علیه السلام تعداد بسیار بالایی ندارد، اما باید اقرار کرد که هنوز وجوه اساسی و گنجینه‌های متعددی از زندگانی آن‌الگوی جاویدان وجود دارد که تا امروز مورد غفلت واقع شده و درباره آن‌ها ارزیابی دقیقی صورت نگرفته است. از موضوعات بسیار مهم در حرکت تاریخی سیدالشهدا علیه السلام که پژوهشگران عمدتاً از آن غفلت ورزیده‌اند، موضوع «جماعت و تفرقه» است؛ این در حالی است که با آغاز حرکت امام حسین علیه السلام، یکی از مهم‌ترین اتهاماتی که برخی از چهره‌ها علیه آن حضرت مطرح می‌کردند، اتهام برهم زدن جماعت مسلمانان

و شق عصای آنان (ایجاد تفرقه) بود.^۱ چنین رخدادی را نمی‌توان به یک اتفاق یا سوءفهم فروکاست؛ بلکه از تحلیل گزارش‌های رسیده چنین برداشت می‌شود که بنی‌امیه با استفاده از دستگاه عظیم تبلیغاتی خود، در پی تثبیت این مسئله در اذهان عمومی بوده است.^۲ برای این دستگاه تبلیغاتی که قتل سیدالشهدا علیه السلام را مبتنی بر نگاهی جبری توجیه می‌کرد و آن را بی‌واسطه به خدای متعال نسبت می‌داد^۳، بسیار ساده بود که مفهوم «جماعت مسلمین» را نیز تحریف کند و آن را از درون تهی سازد. نباید از نظر دور داشت که ریشه چنین اعتقادی، به انحراف خط سیر خلافت پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بازمی‌گشت که اولویت‌ها در نظام ارزشی اسلام، جابه‌جا و دچار قلب معنایی شده بود.^۴ همان‌گونه که بسیاری از مسلمین در عصر سیدالشهدا علیه السلام، آن حضرت را خلیفه بر حق نبی مکرم صلی الله علیه و آله نمی‌دانستند، لزومی هم نمی‌دیدند که جماعت را حول آن امام همام تعریف کنند و بلکه در اثر شرایط به‌وجودآمده و تبلیغات مسموم اذنان اموی، آن حضرت را مسبب تفرقه می‌پنداشتند.^۵ این ادعا به واسطه گزارش‌های تاریخی برجای مانده، قابل اثبات می‌نماید؛ به نحوی که افراد متعددی، امام حسین علیه السلام را از حرکاتی که به اختلاف افکنی و تفرقه می‌انجامد، بر حذر می‌داشتند و ایشان را به همراهی با دیگر مسلمین و پذیرش بیعت یزید فرامی‌خواندند.^۶ عجیب‌تر آن‌که در طول تاریخ نیز، بوده‌اند افرادی که همان اتهامات را علیه نهضت امام حسین علیه السلام تکرار کرده و سعی در توجیه و تطهیر اقدام یزید و پیروان او داشته‌اند؛ برای نمونه، می‌توان از ابوبکر بن العربی (۴۶۸-۵۴۳ق) نام برد که به صراحت خروج امام حسین علیه السلام را

۱. ابن‌اعثم کوفی، ابومحمد احمد، الفتوح، ۵۶/۵.

۲. داوودی، سعید و رستم‌نژاد، مهدی، عاشورا ریشه‌ها، انگیزه‌ها، رویدادها، پیامدها، ص ۵۶۰.

۳. قائمی، سیدرضا و رضوی، رسول، «بررسی نقش طرف‌داران بنی‌امیه در ترویج نظریه جبر»، تاریخ اسلام، ۱۶۶/۵۹.

۴. مریجی، شمس‌الله، «عاشورا پیامد تغییر ارزش‌ها»، معرفت، ۵/۵۶.

۵. الهامی‌نیا، علی‌اصغر، عبرت‌های عاشورا، ص ۱۳۳.

۶. خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین علیه السلام، ۲۷۹/۱.

طغیان علیه حاکمیت مشروع اسلامی و موجب تفرقه در جامعه مسلمانان توصیف می‌کند و از قول پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله چنین روایت می‌کند: «هر کس بخواهد در جمع امت من تفرقه ایجاد کند، با او با شمشیر روبه‌رو شوید؛ هر که خواهد باشد.»^۱ با این همه، هرچند روشن است که امویان، بر هم زدن جماعت را به امام علیه السلام نسبت می‌دادند تا آن را دست‌آویز مقاصد سیاسی خود قرار داده و اعمال خیانت‌بار خویش را پنهان کنند، اما سؤال اساسی آن است که «جماعت» در نگاه امام حسین علیه السلام چه جایگاهی داشته و دارای چه معنایی بوده است؟ به عبارت دیگر، قلمرو این مفهوم از منظر سیدالشهدا علیه السلام کدام است و چه مختصاتی دارد؟

مقاله پیش رو تلاش دارد با استفاده از روش کتابخانه‌ای در گردآوری داده‌ها (نقل‌های تاریخی و روایی) و سپس دلالت‌پژوهی آن‌ها، به پاسخ این پرسش نزدیک شود. یافتن پاسخ‌هایی درخور برای این دست از پرسش‌های بنیادین و نیز تکرار و تبیین آن‌ها در جامعه اسلامی، می‌تواند زمینه‌ساز عبرت‌گیری از تاریخ صدر اسلام شده، جامعه اسلامی را از تکرار اشتباهات فاجعه‌آمیز درباره امام خود دور نگاه دارد؛ گرچه تحقیق و پژوهش در این حوزه برای شناخت فرهنگ عاشورا ضروری است، اما در آثار فارسی مستقلاً بدان پرداخته نشده و مفهوم «جماعت» در روایات صادره از سیدالشهدا علیه السلام مختصات یابی نشده است.

پیشینه پژوهش

علی‌رغم پژوهش‌های فراوانی که به طور جداگانه، در زمینه نهضت سیدالشهدا علیه السلام و همچنین در حوزه وحدت اسلامی انجام گرفته، کمتر اثر علمی مستقلی در خصوص موضوع وحدت و جماعت در سیره امام حسین علیه السلام به نگارش درآمده است. این مسئله مایه تعجب است؛ چراکه یکی از اساسی‌ترین اتهاماتی که از جانب دستگاه اموی، برخی از چهره‌های شاخص و همچنین افراد مختلف حاضر در آن عصر، متوجه ساحت قدسی امام حسین علیه السلام می‌شد، اتهام بر هم زدن جماعت مسلمانان بود. در این میان می‌توان به برخی از آثار نوشته شده که به

۱. ابن‌العربی، ابوبکر، العواصم من القواصم، ص ۲۳۱.

این موضوع ارتباط بیشتری دارند اشاره کرد؛ از جمله کتاب حسین علیه السلام شهید راه امامت: به ضمیمه تئوری وحدت علوی نوشته عباس روح بخش که در دو بخش تدوین شده است. نویسنده در بخش ابتدایی کتاب تلاش کرده است به بررسی وقایع مؤثر در به وجود آمدن واقعه عاشورا بپردازد و در بخش دوم نیز، تئوری وحدت علوی در باب حفظ وحدت و جماعت در پرتو حفظ اسلام را تشریح کرده است. اثر دیگر، مقاله «تأثیرات عاشورا در وحدت مسلمانان»، نوشته قربانعلی هادی است که به نحوی پسینی، چگونگی اثرگذاری نهضت امام حسین علیه السلام در هم بستگی مسلمین را پس از شهادت آن وجود مقدس تبیین می‌کند؛ اما به موضوع وحدت و جماعت در حرکت سیدالشهدا علیه السلام نمی‌پردازد. آثار دیگری چون کتاب وحدت اسلامی از دیدگاه قرآن و عترت، نوشته آیت الله شهید سید محمدباقر حکیم و کتاب امامان شیعه و وحدت اسلامی، نوشته علی آقانوری نیز به موضوع وحدت و جماعت اسلامی در آیات قرآن کریم و سیره کلی اهل بیت علیهم السلام پرداخته‌اند؛ اما هیچ‌یک به صورت مستقل و تفصیلی، موضوع حفظ جماعت را در حرکت امام حسین علیه السلام مورد مطالعه و بررسی قرار نداده‌اند.

روش پژوهش

برای انجام پژوهشی منسجم در منابع تاریخی و روایی، به روش و روش شناسی نیاز داریم؛ بدین ترتیب، لحاظ مراحل پژوهش امری مقدماتی و برای تعیین روش، ضروری است. به منظور به دست آوردن نگاهی حدیثی - تاریخی، ابتدا باید گزاره‌های تاریخی احصا و جمع‌آوری شود و سپس به کمک ردیابی موضوع در آن‌ها، ادامه پژوهش میسر خواهد شد. از آنجا که فحص و بررسی تاریخی در میان تمامی منابع موجود، از دایره تحقیق این پژوهش خارج است، به منابع ثابت و فرهنگ‌های جامع تکیه شده است.

پژوهش حاضر دارای مراحل منسجم است؛ نخست، گزارش‌های تاریخی مسیر حرکت قافله امام حسین علیه السلام از مدینه تا کربلا مورد مطالعه کتابخانه‌ای قرار می‌گیرد. سپس از میان آن گزارش‌ها، موارد مرتبط با جماعت و مسائل پیرامونی آن

گزینش و انتخاب می‌شود. پس از این، روش دلالت‌پژوهی به استخدام در خواهد آمد؛ به نحوی که توضیحی در باب هر یک از گزارش‌های انتخاب‌شده بیان شده است تا دلالت‌های اولیه در مورد حفظ جماعت بیشتر نمایان شود. سپس از میان توضیحات و دلالت‌های اولیه، گزاره‌های دلالتی پایه استخراج شده است که حاوی نکات و مختصات اصلی در خصوص جماعت مسلمین است. سپس به هر یک از این گزاره‌ها، کدی مخصوص تعلق گرفته است تا در بیان پایانی، بدون ایجاد هر نوع خلطی، در کنار یکدیگر قرار گرفته و تصویری چندوجهی از وحدت و جماعت در نهضت اباعبدالله علیه السلام را نشان دهند. گفتنی است، بر خلاف دلالت‌پژوهی نظام‌مند که با درانداختن چارچوبی مفهومی به دنبال یافتن دلالت برای عناصر چارچوب مذکور است، در دلالت‌پژوهی برای شی‌پژوهشگر با طرح یک سؤال پژوهشی، به دنبال آن است تا دلالت‌های یک عرصه کلی (مانند رشته یا حوزه مطالعاتی) را در مآخذ جست‌وجو کند.^۱

ماهیت حفظ جماعت در اسلام

حفظ وحدت و جماعت و به تبع آن، پرهیز از تفرقه و پراکندگی، از تعالیم و آموزه‌های مورد تأکید اسلام است که در آیات و روایات متعددی بدان اشاره شده است.^۲ تا آنجا که در قرآن کریم، تشکیل امت واحده به منزله زمینه و بستر عبودیت معرفی شده است.^۳ این مفهوم در کاربرد عام، به معنای هم‌بستگی، هم‌گرایی، یک‌دلی، یگانگی، یک‌جهتی، موافقت، اجتماع و با هم بودن در یک امر است. حرکت در مسیری یگانه و یا برخورداری از جهتی یکسان به منظور رسیدن به مقصدی واحد، از ویژگی‌های حرکتی است که به حفظ جماعت منجر می‌شود.

۱. دانایی فرد، حسن، «روش‌شناسی مطالعات دلالت‌پژوهی در علوم اجتماعی و انسانی: بنیان‌ها، تعاریف، اهمیت، رویکردها و مراحل اجرا، روش‌شناسی علوم انسانی، ۵۰/۸۶.
۲. برای نمونه نک: انبیاء: ۹۲؛ بقره: ۲۵۳؛ آل عمران: ۶۴، ۱۰۳، ۱۰۵؛ نساء: ۱۵۷؛ انعام: ۶۵، ۱۵۹ و ۱۶۴؛ مائده: ۱۴، ۶۴ و ۹۱؛ بقره: ۲۱۳؛ شوری: ۱۳؛ انفال: ۶۴؛ زمر: ۳؛ حج: ۶۹؛ روم: ۳۲؛ زخرف: ۶۵؛ مریم: ۳۷.
۳. «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ»؛ انبیاء: ۹۲.

گفتنی است، معانی ذکرشده در برابر مفاهیمی؛ نظیر کثرت، پراکندگی، اختلاف، تفرقه، گروه‌گرایی و واگرایی به کار می‌رود.^۱

مطابق با آیات و روایات متعدد، محور جماعتِ مورد نظر اسلام، کتاب خدا و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام هستند^۲ که در حدیث متواتر ثقلین نیز مورد تأکید قرار گرفته‌اند.^۳ در روایتی دیگر آمده است که جابر بن عبد الله انصاری به پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم عرض کرد: ای رسول خدا! وصیِّ شما کیست؟ فرمود: «همان کسی که خداوند به شما دستور داده است که دست از او برندارید و فرموده است: "وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا". عرض کرد: ای رسول خدا! برای ما بیان فرمایید که این ریسمان چیست؟ فرمود: «همان است که خدا فرموده است: "بِحَبْلِ مِنَ اللَّهِ وَحَبْلِ مِنَ النَّاسِ". ریسمانی که از طرف خداست، کتاب اوست و ریسمانی که از مردم است، وصیِّ من است.»^۴

همچنین بر اساس مبانی اسلامی، منظور از جماعت در اصل، گروه طرف دار حق هستند. امام کاظم علیه‌السلام از پدرانش روایت می‌کند که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: «هر که از جماعت مسلمانان جدا شود، رشتهٔ اسلام را از گردش بیرون آورده است.» از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم سؤال شد: جماعت مسلمانان کدام است؟ فرمود: «گروه طرف دار حق؛ هرچند اندک باشند.»^۵ اما نکته‌ای که نباید از آن غافل شد، این است که بسیاری از روایات اهل بیت علیهم‌السلام معمولاً بستری برای بیان هنجارها و اصول، فارغ از شرایط مختلف و موقعیت‌های محتمل است؛ این در حالی است که سیرهٔ عملی آن بزرگواران، در بستر شرایط ویژه‌ای به وقوع پیوسته است که می‌تواند راهنمای

۱. آقانوری، علی، امامان شیعه و وحدت اسلامی، ص ۱۷.

۲. برای نمونه بنگرید به فرازی از زیارت جامعه کبیره: «ویموالکم ... إئتلفت الفرقة» و فرازی از خطبهٔ فدکیه طاعتنا نظاما للملّة، و إمامتنا أمانا من الفرقة.»

۳. «إني تارك فيكم أمرين إن أخذتم بهما لن تضلوا كتاب الله عز وجل وأهل بيتي عترتي» (حویزی، عبدعلی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، ۶۰۵/۵).

۴. بحرانی، سیدهاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، ۶۶۹/۱.

۵. ابن بابویه، محمد بن علی، الأمالی، ص ۴۱۳.

فهم بهتر روایات باشد. تردید نیست که آیین اسلام به تمامی زوایای زندگی انسان نظر دارد؛ اما با توجه به گستردگی و شمولی که در آموزه‌های اسلامی قابل ملاحظه است، می‌توانیم دریابیم که از نظر اسلام، پاره‌ای موضوعات و مسائل، اهمیت و اولویت بیشتری دارند؛ چنانکه شرک گناهی نابخشودنی است، اما گناهان و معاصی دیگر، همه قابلیت بخشایش و غفران الهی را دارند. همین‌طور دسته‌ای از واجبات دینی، نسبت به واجبات دیگر اهمیت افزون‌تری دارند.^۱

بنابراین می‌توان از «نظام ارزشی اسلام» سخن به میان آورد که مشتمل بر تعالیم گوناگون اسلامی در سطوح و اولویت‌های مختلف نسبت به یکدیگر است. بی‌شک در رأس این نظام ارزشی، اصل اسلام و اساسی‌ترین عقیده اسلامی؛ یعنی «توحید» قرار گرفته است که همه تعالیم و ارزش‌های دیگر، ذیل آن و در نسبت با آن، در اولویت‌های بعدی قرار می‌گیرند.^۲ بدین ترتیب، حفظ جماعت به عنوان یکی از آموزه‌های اسلامی، هنگامی ارزشمند است که به حفظ اساسی‌ترین اولویت در نظام ارزشی اسلام بینجامد. از این رو می‌توان حفظ اساس اسلام را ملاک حفظ جماعت دانست.^۳ به همین خاطر است که امیرالمؤمنین علیه السلام در دو مورد از بنیادی‌ترین کنش‌های سیاسی خود؛ یعنی در پیش گرفتن سیاست سکوت (و به تعبیر دقیق‌تر، عدم درگیری مسلحانه) در برابر غصب خلافت، و همچنین پذیرش خلافت پس از قتل خلیفه سوم علی‌رغم اکراه شدید، موضوع جماعت مسلمین را به عنوان یکی از ملاحظات بسیار مهم در نظر گرفت. حضرت امیر علیه السلام پس از اظهار گله‌مندی از قدرناشناسی و نامهربانی‌های مردم به خویش و اشاره به امتناع اولیه خود از بیعت با خلیفه اول، می‌فرماید:

نخست دستم را پس کشیدم، تا آن‌که دیدم گروهی از مردم از اسلام برگشتند (اهل رده) و دیگران را به محو دین محمد صلی الله علیه و آله دعوت می‌کنند. ترسیدم که اگر در این لحظات حساس، اسلام و مسلمین را

۱. حکیم، سیدمحمدباقر، وحدت اسلامی از دیدگاه قرآن و عترت، ص ۱۳۴.

۲. دائرة المعارف بزرگ اسلامی، دانشنامه بزرگ اسلامی، ۳۹۱۰/۱۰.

۳. مصباح یزدی، محمدتقی، «اخلاق و عرفان اسلامی»، معرفت، ۳/۶۳.

یاری نکنم، خرابی یا شکافی در اساس اسلام ببینم که مصیبت آن بر من، از مصیبت از دست رفتن چندروزه خلافت بسی بیشتر است.^۱ پس خیرخواهی امیرالمؤمنین علیه السلام درباره اسلام و بیم آن حضرت از تفرقه مسلمانان باعث شد بفرماید:

هرچند قریب مرا از حق و ویژه خویش محروم کرد، با این حال صبر بر آن را برتر از پراکنده کردن یک پارچگی مسلمانان و ریخته شدن خون آنان یافتم و حال آن که مردم تازه به اسلام گراییده بودند.^۲ از این رو، مشخص می شود که شرایط عصر امام علی علیه السلام به گونه ای رقم خورده بود که حفظ اسلام تنها در گرو حفظ جماعت مسلمین ممکن می نمود و از آنجا که حضرت به تعداد مورد نیاز یاور نداشت تا صحنه آرایشی غاصبان خلافت را تغییر دهد، دست بردن به سلاح را تنها به منزله چندشقه شدن جامعه نوپای اسلامی و از بین رفتن اصل اسلام می دید.

موضوع جماعت مسلمین حتی با گذشت ۲۵ سال از آن روز، همچنان یکی از مهم ترین ملاحظات امیرالمؤمنین علیه السلام بود؛ چراکه آن حضرت در ماجرای پذیرش خلافت پس از قتل عثمان نیز فرمود: «ترسیدم اگر تقاضای شما را (برای تصدی خلافت) نپذیرم، در بین مردم اختلاف بیفتد.»^۳ بدین سبب، حفظ جماعت به حدی اهمیت دارد که حضرت امیر علیه السلام خود را دوست دارترین افراد نسبت به الفت امت معرفی می فرماید.^۴

اما تفاوت ظاهری سیره امام حسین علیه السلام و امیرالمؤمنین علیه السلام به این علت است که سیدالشهدا علیه السلام در عصر خلافت یزید، اجتماع با گروه اکثریت (بیعت کنندگان با یزید) را دقیقاً به معنای از بین رفتن اصل اسلام (نابودی ملاک حفظ جماعت) می دید؛ بنابراین چنین اجتماع و حفظ جماعتی، به نحوی آشکار

۱. امیرالمؤمنین علی علیه السلام، نهج البلاغه، ص ۱۴۵.

۲. مجلسی، محمدباقر، بحارالأنوار، ۶۲/۳۲.

۳. همان، ۲۱/۳۲.

۴. امیرالمؤمنین علی علیه السلام، نهج البلاغه، ص ۱۵۰.

نقض غرض بود. از همین روست که امام حسین علیه السلام در پاسخ به پیشنهاد مروان مبنی بر بیعت با یزید، فرمود: «إنا لله وإنا إليه راجعون وعلى الإسلام السلام إذا قد بليت الأمة براع مثل یزید.»^۱ پس امام علیه السلام حفظ جماعت را به معنای اصولی آن، که در روایاتی مانند روایت امام کاظم علیه السلام بیان شده است و ذکر آن پیش تر گذشت، تحقق بخشید. در واقع امام حسین علیه السلام به جهت حفظ اساس اسلام، به گونه ای عمل کرد که عامه مردم می بایست حول ایشان (محور راستین جماعت)^۲ گرد آمده و به گروه طرف دار حق، ولو این که در اقلیت بودند، ملحق می شدند.

اصل حفظ جماعت در نهضت سیدالشهدا علیهم السلام

با مطالعه گزارش های تاریخی و روایات موجود از امام حسین علیه السلام در مسیر حرکت آن حضرت، می توان عباراتی را که دلالت یا اشعار بر مفهوم جماعت و تفرقه دارند استخراج کرده، با کنار هم قرار دادن آن ها، حدودی از مختصات حفظ جماعت از منظر امام حسین علیه السلام را به دست آورد. به همین روی، تعابیر مرتبط با مفهوم جماعت و اجتماع، عیناً در جدول شماره ۱ آورده شده، پیرامون هر یک توضیحاتی ارائه خواهد شد. روش حاکم بر این مرحله، دلالت پژوهی است. به طور خاص، مقاله حاضر در این مرحله از پژوهش، نه از دلالت پژوهی نظام مند، که از دلالت پژوهی برایشی^۳ بهره می برد. گفتنی است، ابتدا با توجه به عبارات موجود، دلالت های اولیه در باب حفظ جماعت به دست آمده و سپس دلالت های پایه در قالب گزاره های مختصر، ارائه شده است. بدین ترتیب، مقدمات استفاده از گزاره های دلالتی پایه در مرحله بعدی پژوهش فراهم می آید.

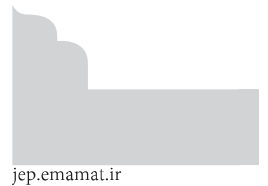
۱. ابن طاووس، علی بن موسی، اللهوف علی قتلی الطفوف، ص ۲۴.
۲. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَثَلُ الْإِمَامِ مَثَلُ الْكَعْبَةِ إِذْ تُؤْتَى وَلَا تُؤْتَى» (خزاز رازی، علی بن محمد، كفاية الأثر في النص على الأئمة الاثني عشر، ص ۱۹۹).
۳. دانایی فرد، حسن، «روش شناسی مطالعات دلالت پژوهی در علوم اجتماعی و انسانی: بنیان ها، تعاریف، اهمیت، رویکردها و مراحل اجرا، روش شناسی علوم انسانی، ۵۰/۸۶.

جدول ۱. دلالت پژوهشی برایشی از اخبار تاریخی و روایات

مرتبط با حفظ جماعت در نهضت امام حسین علیه السلام

ردیف	عبارت	دلالت‌های اولیه در مورد حفظ جماعت	گزاره‌های دلالتی پایه
۱	<p>۱. امام حسین <small>علیه السلام</small> در پاسخ به جتیان که از آن حضرت اذن نابودسازی دشمنان را طلب می‌کردند:</p> <p>۱. وإذا أقمت بمكاني فبماذا يبتلي هذا الخلق المتعوس وبماذا يختبرون؟</p> <p>۲. ومن ذا يكون ساكن حفرتي بكربلا؟ وقد اختارها الله تعالى يوم دحا الارض، وجعلها معقلا لشيعتنا، ويكون لهم امانا في الدنيا والآخرة.</p> <p>۳. فقال لهم <small>علیه السلام</small>: نحن والله أفدر عليهم منكم ولكن «لِيَهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَنْ بَيِّنَةٍ وَ يُحْيِيَ مَنْ حَيَّ عَنْ بَيِّنَةٍ»^۱.</p>	<p>۱. امام <small>علیه السلام</small>، وسیله ابتلا و اختبار مردم است. تنها آن دسته از مردم که حول امام معصوم <small>علیه السلام</small> به اجتماع رسند، از آزمون الهی سربلند بیرون خواهند آمد. از همین روست که می‌توان بین تولی و جماعت نیز، ارتباطی تنگاتنگ مشاهده کرد.</p> <p>۲. کربلا به برکت وجود مقدس سیدالشهدا <small>علیه السلام</small> محلی برای گرد هم آمدن شیعیان است که به آن پناه برده و در دنیا و آخرت احساس امنیت می‌کنند.</p> <p>۳. انسان‌ها بر اساس نسبتی که با بینه می‌یابند، به «هلاک شده» یا «حی» تقسیم می‌شوند.</p> <p>از مجموع سه گزاره فوق می‌توان چنین برداشت کرد که امام معصوم <small>علیه السلام</small>، وسیله و موضوع ابتلا و اختباری</p>	<p>امام معصوم <small>علیه السلام</small>؛ محور جماعت (۱ز)</p> <p>ابتلا؛ لازمه اجتماع حول امام <small>علیه السلام</small> (۲ز)</p> <p>امنیت در دنیا و آخرت؛ نتیجه اجتماع حول امام <small>علیه السلام</small> (۳ز)</p>

۱. الخصیبي، حسين بن حمدان، الهداية الكبرى، ص ۲۵۷.



jep.emamat.ir

۲۸۲

دفتر نشر و مکتوب‌های امامت‌پژوهی - شماره ۱ سی و نهم - بهار و تابستان ۱۴۰۱

گزاره‌های دلالتی پایه	دلالت‌های اولیه در مورد حفظ جماعت	عبارت	آیه
	<p>است که انسان‌ها به واسطه او آرموده می‌شوند، در حالی که می‌بایست نسبت خود را با امام <small>علیه السلام</small> و بیناتی که در دست اوست روشن سازند. پس هر کس به سوی امام <small>علیه السلام</small> رود و او را محور اجتماع خود با دیگر متولیان به ولایت او قرار دهد، پناهگاه و مأمنش در دنیا و آخرت، امام <small>علیه السلام</small> خواهد بود و چنین است که به حیاتی واقعی خواهد رسید. و هرکس در برابر امام <small>علیه السلام</small> و جماعتی که او تعریف کرده است قرار گیرد، هلاک خواهد شد.</p>		
ابتلا؛ لازمه اجتماع حول امام <small>علیه السلام</small> (۴z) معیار دین‌داری؛ صبر بر ابتلائات در همراهی با امام <small>علیه السلام</small> (۵z)	<p>ارتباط معنایی «مخصوصا بالبراء» و «بماذا یختبرون»: داخل شدن در جماعتی به محوریت امام <small>علیه السلام</small> و همراهی با او، صبر بر ابتلائات را می‌طلبد که تنها دین‌داران واقعی از عهده آن برخوانند آمد.</p>	<p>وقال <small>علیه السلام</small> فی مسیره الی الکربلاء: ... إن التماس عبید الدنیا والدین لعق علی ألسنتهم یحوظونه ما دزت معایشهم، فإذا مخصوا بالبراء قلّ الدیانون!</p>	۲

۱. حزانی، ابن شعبه، تحف العقول عن آل الرسول علیهم السلام، ص ۲۴۵.

ردیف	عبارت	دلالت‌های اولیه در مورد حفظ جماعت	گزاره‌های دلالتی پایه
۳	امام <small>علیه السلام</small> در پاسخ به نامه‌های کوفیان، مسلم بن عقیل را جهت راستی آزمایی و اخذ بیعت به همراه نامه‌ای روانه کوفه می‌فرماید که در قسمتی از آن آمده است: ۱. ومقالة جلکم، أنه لیس علینا إمام فأقبل لعل الله أن یجمعنا بك علی الحق والهدی. ۲. وقد بعثت إلیکم أخی وابن عمی وثقتی من أهل بیتی... فإن كتب إلی أنه قد اجتمع رأی ملائکم، وذوی الحجی والفضل منکم، علی مثل ما قدمت به رسلكم، وقرأت فی کتیبکم، فإنی أقدم إلیکم وشیکاً إن شاء الله تعالی ^۱ .	۱. کوفیان، امام حسین <small>علیه السلام</small> را محور جماعت خود معرفی کرده‌اند؛ اجتماعی مبتنی بر حق و هدایت. به نظر می‌رسد این تقریر، مورد تأیید امام <small>علیه السلام</small> نیز قرار گرفته است. ۲. به نظر می‌رسد امام حسین <small>علیه السلام</small> ، لازمه اجتماع را، هماهنگی آراء ملاء (توده مردم یا بزرگان) و خردمندان و صاحبان فضل دانسته و آن را از شروط پذیرش دعوت کوفیان معرفی فرموده است.	امام <small>علیه السلام</small> ؛ محور جماعت (۶ز) حق و هدایت؛ پایه‌های اجتماع حول امام (ع) (۷ز) هماهنگی توده‌های مردم، بزرگان و خردمندان؛ لازمه اجتماع (۱ک)
۴	در قسمتی از نامه امام حسین <small>علیه السلام</small> به اهل کوفه بنا بر نقلی دیگر آمده است: ۱. جمعنا الله وإیاکم علی الهدی، وألزمنا وإیاکم کلمة التقوی ^۲ .	۱. اجتماع به محوریت امام <small>علیه السلام</small> منجر به هدایت خواهد شد. ۲. واژه «الزام» به معنای همراهی و ملازمت است؛ اجتماع حول امام <small>علیه السلام</small> ، همراه است با کلمه تقوا.	هدایت؛ غایت اجتماع حول امام <small>علیه السلام</small> (۸ز) همراهی تقوا و اجتماع حول امام <small>علیه السلام</small> (۹ز)

۱. ابن اثیر، عزالدین، الكامل فی التاریخ، ۵۳۴/۲.

۲. حسینی موسوی حائری، محمد بن ابی طالب، تسلیه المجالس وزینه المجالس الموسوم بمقتل الحسین علیه السلام، ۱۷۱/۲.

گزاره‌های دلالتی پایه	دلالت‌های اولیه در مورد حفظ جماعت	عبارت	آیه
تأکید بر اصول مشترک؛ لازمه و مقوم حفظ جماعت (۲k)	۱. یکی از مؤلفه‌های حفظ جماعت، تأکید بر اصول مشترک و مورد پذیرش است. امام حسین <small>علیه السلام</small> نیز نامه خویش را با تأکید بر نبوت پیامبر اکرم <small>صلی الله علیه و آله</small> ، که اصل مسلم و مشترک همه مسلمین است، آغاز می‌فرماید.	نامه امام حسین <small>علیه السلام</small> به بزرگان بصره (ذکر این نکته ضروری است که بصریان به دلایلی از جمله خاطرۀ جنگ جمل، عمدتاً با امیرالمؤمنین <small>علیه السلام</small> و پیروان آن حضرت میانه خوبی نداشتند):	۵
حفظ جماعت به معنای دست شستن از عقاید بنیادین و اصول مورد اختلاف نیست (۳k)	۲. امام حسین <small>علیه السلام</small> بلافاصله پس از طرح اصل مشترک نبوت پیامبر اکرم <small>صلی الله علیه و آله</small> ، به تشریح حق خود برای تصدق مقام خلافت می‌پردازد؛ چراکه ایشان اهل، ولی، وصی و وارث واقعی همان پیامبری است که نبوتش مورد اتفاق همه مسلمانان است.	۱. أما بعد، فإن الله اصطفى محمداً <small>صلی الله علیه و آله</small> علی خلقه وأكرمه بنبوته، واختاره لرسالته ثم قبضه إليه وقد نصح لعباده، وبلغ ما أرسل به، وكننا أهله وأوليائه وأوصيائه وورثته وأحق الناس بمقامه في الناس،	
اهمیت عنصر مصلحت و قاعدۀ اهم و مهم در حفظ جماعت (۴k)	۳. بیان اختلافات نیز به هوشمندانه‌ترین شیوه ممکن صورت پذیرفته است. امام حسین <small>علیه السلام</small> ماجرای غصب خلافت را، ناشی از آن عنوان می‌فرماید که قوم آن حضرت، دیگران را ترجیح داده و خلافت را به ایشان اختصاص دادند؛ اهل بیت <small>علیهم السلام</small> نیز به دلیل پرهیز از تفرقه و تبعات شدید آن، که عاقبت مسلمین را به مخاطره می‌انداخت، به این امر	۲. فاستأثر علينا قومنا بذلك فرضينا، وكرهنا الفرقة، وأحببنا العافية، ونحن نعلم أنا أحق بذلك الحق المستحق علينا ممن تولاه،	
ملاحظات مربوط به مخاطبین حفظ جماعت و تقیۀ مداراتی (۵k)		۳. وقد احسنوا وأصلحوا وتحروا الحق، فرحمهم الله وغفر لنا ولهم،	
		۴. وقد بعثت رسولي إليكم بهذا الكتاب وأنا أدعوكم إلى كتاب الله وسنة نبيه <small>صلی الله علیه و آله</small>	

گزاره‌های دلالتی پایه	دلالت‌های اولیه در مورد حفظ جماعت	عبارت	آیه
<p>کتاب الهی و سنت نبوی؛ اساس حفظ جماعت (۶k)</p> <p>مقابله با بدعت؛ نتیجه جماعت (۷k)</p> <p>فهم کلام و اطاعت اوامر امام <small>علیه السلام</small>؛ لازمه اجتماع حول امام <small>علیه السلام</small> (۱۰j)</p> <p>هدایت به سبیل رشد؛ غایت و نتیجه اجتماع حول امام <small>علیه السلام</small> (۱۱j)</p>	<p>رضایت دادند و البته این در حالی بود که خلافت را حق الهی خود می دانستند.</p> <p>۴. امام <small>علیه السلام</small> پس از طرح اجمالی نقاط اختلافی، بالحنی که به روشنی حکایت از تقیه مداراتی دارد، والیان و خلفای نخست را کسانی معرفی می کند که نیکی و اصلاح کرده، در جست و جوی حق بودند. پس، از خدا برای ایشان طلب رحمت و مغفرت می فرماید.</p> <p>۵. حضرت در این قسمت از نامه، بزرگان بصره را به کتاب خدا و سنت دعوت می کند. بنابراین، باز هم شاهد آن هستیم که امام <small>علیه السلام</small> ظاهراً با دست گذاشتن روی اصول مشترک، سعی در ایجاد اجتماع و اتفاق در مقابل دشمن مشترک دارد؛ دشمنی که سنت را میرانده و بدعت را احیا کرده است.</p> <p>۶. امام حسین <small>علیه السلام</small> نتیجه پذیرش اجتماع ذیل لوای خویش را، هدایت آن مردم به مسیر رشد معرفی می فرماید.</p>	<p>فإن السنة قد أميتت، وإن البدعة قد أحييت، ۵. وأن تسمعوا قولي وتطيعوا أمری أهدکم سبیل الرشاد، والسلام علیکم ورحمة الله.</p>	۵

ردیف	عبارت	دلالت‌های اولیه در مورد حفظ جماعت	گزاره‌های دلالتی پایه
۶	از کلمات آن حضرت در خطبهٔ مناست: فإن لم تنصرونا وتنصفونا قوی الظلمة علیکم، و عملوا فی إطفاء نور نبیکم ^۱	ارتباط معنایی معکوس با عبارت «لعلَّ الله أن یجمعنا بک» و نیز عبارت «اجتماع ملتکم علی نصرنا، والطلب بحقنا»: اگر مردم، بزرگان و خردمندان بر نصرت ما و طلب حق ما اجتماع نکنند، ظالمان بر ایشان قوت و سلطه یافته، در اطفاء نور پیامبر اکرم ﷺ خواهند کوشید.	تقویت ظالمان و تحرک آنان در جهت خاموشی نور پیامبر ﷺ؛ پیامد عدم اجتماع حول امام ﷺ (۱۲)
۷	سیدالشهدا ﷺ پس از آن که توسط دستگاه خلافت تهدید شد، به هنگام خروج از مدینه رو به قبر جدش عرضه داشت: فاشهد علیهم یانبی الله أنهم قد خذلونی و ضیعونی ولم یحفظونی، وهذه شکوای الیک حتی ألقاک. ^۲	ارتباط معنایی معکوس با عبارت «لعلَّ الله أن یجمعنا بک»: عدم اجتماع مردم حول امام ﷺ به خذلان او، تزییع حق او، و عدم محافظت از او منجر خواهد شد.	خذلان، تزییع حق و عدم حفاظت از امام ﷺ؛ پیامد عدم اجتماع (۲۲)
۸	از فرامین آن حضرت به مسلم است: فامض علی برکة الله حتی تدخل الکوفة، فإذا دخلتها فانزل عند أوثق أهلها، ۱. وادع الناس إلی طاعتی واخللهم عن آل أبی سفیان،	لازمه اطاعت از امام ﷺ و اجتماع حول او، پراکندگی از حول دشمنان خدا و مرزبندی با آنهاست. نکتهٔ دیگر آن که، ظاهراً گروه خاصی مانند شیعیان، مخاطب امام ﷺ نیستند؛ بلکه مخاطب، عموم مردمنده	پراکندگی از حول دشمن و اطاعت از امام ﷺ؛ لازمهٔ اجتماع (۱۲ج)



jep.emamat.ir

۲۸۶

دفتر نشر امامت پژوهشی - شمارهٔ سی و نهم - بهار و تابستان ۱۴۰۱

۱. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ۷۹/۴۵

۲. حسینی موسوی حائری، محمد بن ابی طالب، تسلیهٔ المجالس و زینةٔ المجالس الموسوم

بمقتل الحسین ﷺ، ۱۵۴/۲.

ردیف	عبارت	دلالت‌های اولیه در مورد حفظ جماعت	گزاره‌های دلالتی پایه
	۲. فإن رأيت الناس مجتمعين على بيعتي فعجل لي بالخبر حتى أعمل على حسب ذلك ^۱ .	احتمالاً در بیعت با آل ابی سفیان هستند. ۲. حفظ جماعت، یکی از اصلی‌ترین زمینه‌ها و الزامات پیاده‌سازی طرح امام <small>علیه السلام</small> است. اما در نهایت، باز هم این امام معصوم <small>علیه السلام</small> است که تصمیم می‌گیرد چگونه عمل کند و دیگران، وظیفه‌ای جز تبعیت ندارند.	فاصله گرفتن از دشمن و نفی طاغوت؛ لازمه اجتماع حول امام <small>علیه السلام</small> (۱۳ج) طیف‌های مختلف مردم؛ مخاطب حفظ جماعت (۸ک)
۹	در نقل دیگری آمده است که امام حسین <small>علیه السلام</small> ، مسلم را جهت مأموریت کوفه فراخوانده و: أمره بالتقوى و كتمان أمره و اللطف، فإن رأى الناس مجتمعين مستوسقين مستوسقين عجل إليه بذلك.	مستوسقین، اجتماعی را گویند که نوعی سازگاری و نیز فرمان‌برداری در معنای خود دارد.	سازگاری و اطاعت‌پذیری مردم حول محوریت امام <small>علیه السلام</small> (۱۴ج)
۱۰	سیدالشهدا <small>علیه السلام</small> در بخشی از خطبه منامی فرماید: ذلك بأن مجاري الأمور والأحكام على أيدي العلماء بالله الأئمة على حلاله وحرامه فأنتم المسلوبون تلك المنزلة، وما سلبتم ذلك إلا بفرقكم عن الحق واختلافكم في السنة بعد البينة الواضحة ^۲ .	امام حسین <small>علیه السلام</small> ، جایگاه علما (که عالی‌ترین مصداق آن اهل بیت <small>علیهم السلام</small> هستند) را جاری ساختن امور و احکام الهی دانسته، ایشان را ائمه‌ای خدا بر حلال و حرام او برمی‌شمارد. سپس این منزلت را سلب شده توصیف می‌فرماید. علت سلب منزلت علما، پراکندگی و	پراکندگی از حول حق و اختلاف در سنت؛ سبب سلب منزلت علما (۳ت)

۱. محمدی ری شهری، محمد، دانشنامه امام حسین علیه السلام، ۳۷/۴.

۲. ابن اثیر، عزالدین، الكامل فی التاریخ، ۳۵۲/۲.

۳. نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ۳۱۵/۱۷.

ردیف	عبارت	دلالت‌های اولیه در مورد حفظ جماعت	گزاره‌های دلالتی پایه
		وتفرقه مردم از حول حق و اختلافشان در سنت رسول الله ﷺ پس از وجود بیانات است	
۱۱	فرستادگان عمرو بن سعید، والی مکه، به امام حسین ﷺ گفتند: ألا تتقي الله تخرج من الجماعة، وتفرق بين هذه الأمة؟ فتأول الحسين ﷺ قول الله عز وجل «لي عملي ولکم عملکم انتم بریون مما عمل وأنا بریء مما تعملون» ^۱	۱. با توجه به این که اتهام برهم زدن جماعت بارها و از سوی افراد مختلف مطرح می‌شود، چنین به نظر می‌رسد که این برحسب، کارآمد بوده و در جامعه مسلمین پذیرش نسبی داشته است. ۲. در مورد مذکور، امام ﷺ پاسخ مستقیمی نمی‌دهد؛ چه بسا گاهی پاسخ مستقیم، به معنای وجاهت بخشی به اتهام مطرح شده باشد. ۳. امام از کلیدواژه «برائت» استفاده می‌کند و صراحتاً با بنی امیه مرزبندی می‌فرماید.	مرزبندی صریح در برابر دشمن؛ لازمه اجتماع مورد نظر امام ﷺ (۹ک)
۱۲	در پاسخ به نامه عبدالله بن جعفر که بیم کشته شدن امام ﷺ را داشت و خواست برای آن حضرت امان نامه بگیرد: فكتب إليه الحسين بن علي: ... لو كنت في جحر هامة من هوام الأرض لاستخرجوني و يقتلونني. ^۲	۱. می‌توان گفت از جمله مهم‌ترین زمینه‌سازی‌های پذیرش قتل حضرت در افکار عمومی آن عصر، اتهام برهم زدن جماعت، اختلال در نظام مسلمین و خروج برخلیفه بوده است. در مقابل، امام حسین ﷺ	وجود دشمن و دشمنی او؛ عامل اصلی فتنه‌ها و تنازعات (۴ت)

۱. ابن اثیر، عزالدین، الكامل فی التاريخ، ۳۷۱/۲.
 ۲. طریحی، فخرالدین بن محمد، المنتخب للطریحی فی جمع المراثی و الخطب المشتهر بالفخري، ص ۴۲۴.

گزاره‌های دلالتی پایه	دلالت‌های اولیه در مورد حفظ جماعت	عبارت	ردیف
	<p>شهادت خود را قطعی دانسته، چنین می‌فرماید که حتی اگر مخفی شده و حرکتی هم انجام ندهد، دشمنان ایشان را یافته و به شهادت می‌رسانند.</p> <p>۲. عداوت و فتنه‌انگیزی دشمن، تمام ناشدنی است و خطا است اگر آن را تنها عملی واکنشی به تحرکات جبهه حق بدانیم.</p>		
<p>نمی‌توان کسی را که به سوی خدا و عمل صالح دعوت می‌کند و حضور خود را در جرگه مسلمین اعلام می‌دارد، متهم به تفرقه‌افکنی نمود (۵t)</p> <p>خوف از خدا و قیامت؛ سنجه‌ای برای حفظ جماعت (۱۰k)</p> <p>نفی اتهامات بی پایه و اساس (۶t)</p>	<p>۱. هنگامی که امام <small>علیه السلام</small> را به ایجاد شقاق و ناسازگاری متهم می‌سازند، ایشان خطوطی را تعیین می‌فرماید که نمی‌توان شخصی را که از آن خطوط فراتر رفته است، تفرقه‌افکن نامید. امام حسین <small>علیه السلام</small> کسی را که به سوی خدا و عمل صالح دعوت می‌کند، در حالی که خود را از مسلمین معرفی می‌کند، تفرقه‌افکن نمی‌داند.</p> <p>۲. امام <small>علیه السلام</small> شقاق را در کنار نام خدا و رسول <small>صلی الله علیه و آله</small> آورده و خود را از ناسازگاری با خدا و رسول <small>صلی الله علیه و آله</small> مبرا می‌کند. پس ظاهرأ سید الشهداء <small>علیه السلام</small> در این نقطه به دنبال ترسیم اولویتها است؛ به خصوص که</p>	<p>بنا بر نقلی، عبدالله بن جعفر، از زبان عمرو بن سعید، والی مکه، نامه‌ای به امام حسین <small>علیه السلام</small> نوشت: «... أعيذك من الشقاق، فإني أخاف عليك فيه الهلاك...» وكتب إليه الحسين <small>علیه السلام</small> : ... فإنه لم يشاقق الله ورسوله «من دعا إلى الله و عمل صالحا و قال إنني من المسلمين» و قد دعوت إلى الأمان و البر و الصلّة ، ۲. فخير الأمان أمان الله ولن يؤمن الله يوم القيامة من لم يخفه في الدنيا، فنسأل الله مخافة في الدنيا توجب لنا أمانه يوم القيامة...</p>	۱۳

گزاره‌های دلالتی پایه	دلالت‌های اولیه در مورد حفظ جماعت	عبارت	ردیف
	<p>حضرت در ادامه، بحث ترس از خدا در دنیا و امان الهی در آخرت را به میان می‌کشد. در واقع هر جماعتی و هر عدم شقاقی مطلوب نیست؛ بلکه اگر پایبندی به جماعت و عدم ایجاد شقاق، به منزله عدم خوف از خدا باشد، هیچ ارزشی ندارد؛ بلکه این امان الهی در روز قیامت است که همواره در اولویت قرار می‌گیرد. پس می‌توان خوف الهی را نیز از مختصات حفظ جماعت دانست.</p> <p>همچنان‌که مسلم بن عقیل، فرستاده و نماینده حضرت، در جواب ابن زیاد که آمدن او به کوفه را عامل تفرقه و تشتت مردم معرفی کرده بود، می‌گوید: ما لهذا أتیت، ولکنکم أظہرتم المنکر، ودفنتم المعروف، وتأمرتم علی الناس بغير رضی منهم، وحملتموهم علی غیر ما أمرکم اللہ به، وعملتم فیهم بأعمال کسری وقیصر، فأتیناهم لنأمر فیهم بالمعروف وننهی عن المنکر، وندعوهم إلی حکم الکتاب والسنة، وکنا</p>	<p>۳... فإن كنت نويت بالكتاب صلتی و بزی فجزیت خیرافی الدنیا والآخره والسلام!</p>	



jep.emamat.ir

۲۹۰

دفتر نشر فرهنگ اسلامی - شماره ۱ سی و یکم - بهار و تابستان ۱۴۰۱

ردیف	عبارت	دلالت‌های اولیه در مورد حفظ جماعت	گزاره‌های دلالتی پایه
		<p>أهل ذلك.^۱</p> <p>همچنین، امام <small>علیه السلام</small> خود را در زمرهٔ مسلمین معرفی می‌فرماید و احتمالاً به نحوی غیر مستقیم به اتهام تفرقه افکنی و خروج از جامعهٔ مسلمین پاسخ می‌دهد.</p> <p>۳. امام <small>علیه السلام</small> در فراز آخر، در مورد تزویر بنی‌امیه روشنگری فرموده، تلویحاً صداقت و حسن نیت ایشان در نگارش نامه رازیر سؤال می‌برد.</p>	
۱۴	<p>از نامهٔ امام حسین <small>علیه السلام</small> است به مردم کوفه، پس از آن‌که نامهٔ مسلم بن عقیل رسید: من الحسين بن علي إلى إخوانه من المؤمنين والمسلمين... فإن كتاب مسلم جاءني بخبرني فيه بحسن رأيكم، واجتماع ملئكم علي نصرنا والطلب بحقنا. ۲</p>	<p>۱. بعید نیست تفکیک بین مؤمنین و مسلمین، در نزد شیعیان آن حضرت، از معنایی خاص برخوردار بوده باشد (چنانکه از برخی روایات، چنین برمی‌آید) و برای مثال، اشاره‌ای تلویحی به غیر شیعه باشد که شیعیان موظف به اجتماع با ایشان شده‌اند.</p> <p>۲. حسن رأی را می‌توان، رأی هم‌سو با امام <small>علیه السلام</small> دانست که مقدمهٔ اساسی حفظ جماعت است.</p> <p>۳. تفکیک تعبیر «حسن رأیکم» از «اجتماع ملئکم»</p>	<p>اشارهٔ تلویحی به برادران غیر شیعه (۱۱k)</p> <p>حفظ جماعت معطوف به عمل است.</p> <p>نصرت و طلب حق نیز از سنخ امور عملی است. (۱۲k)</p>

۱. ابن طاووس، علی بن موسی، اللهوف علی قتلی الطفوف، ص ۷۰-۷۳.

۲. معتمد الدوله، فرهاد میرزا، قَمَمَامِ زَخَار وَ صَمَصَامِ بَنَارِ در احوالات حضرت مَوْلَى الْكُوَيْنِ أبی عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَام، ص ۳۹۲.

ردیف	عبارت	دلالت‌های اولیه در مورد حفظ جماعت	گزاره‌های دلالتی پایه
		<p>که در موارد مشابه نیز تکرار شده است، می‌تواند نشان دهنده آن باشد که حفظ جماعت، مرحله‌ای معطوف به ساحت عمل است.</p> <p>همچنین، به نظر می‌رسد اجتماع بر «نصرت» و «طلب حق»، عمدتاً مرحله‌ای عملیاتی است که «حسن رأی» مقدمه آن است.</p>	
۱۵	<p>امام حسین <small>علیه السلام</small> در برابر اعتراض ابن عباس که آن حضرت را از حرکت به سوی کوفه بازمی‌داشت، فرمود:</p> <p>۱. یا بن عم انی لأعلم أنك لی ناصح وعلی شفیق، ۲. ولکن مسلم بن عقیل کتب الی باجماع أهل المصر علی بیعتی و نصرتی وقد أجمعت علی المسیر.^۱</p>	<p>۱. امام <small>علیه السلام</small> اعتراض ابن عباس را ناشی از خیرخواهی او می‌داند و مضمون آن را نیز رد نمی‌فرماید؛ چرا که آن حضرت به خوبی و بهتراز هر شخص دیگر به عاقبت امر آگاه است.</p> <p>۲. اما اجتماع هر چند موقتی مردم کوفه بر بیعت و نصرت آن حضرت و جماعتی که با محوریت امام <small>علیه السلام</small> ایجاد شده است، برای سید الشهداء <small>علیه السلام</small> اهمیت بسزایی دارد که گویا نمی‌توان آن را در شرایط به وجود آمده نادیده گرفت.</p>	<p>اجتماع حول امام معصوم <small>علیه السلام</small> (۱۵ج)</p> <p>نصرت امام <small>علیه السلام</small>؛ از غایات حفظ جماعت (۱۶ج)</p> <p>اهمیت حضور مردم و اجتماع ایشان حول امام <small>علیه السلام</small> (۱۷ج)</p>

ردیف	عبارت	دلالت‌های اولیه در مورد حفظ جماعت	گزاره‌های دلالتی پایه
۱۶	در روایت دیگری آمده که مسلم به امام <small>علیه السلام</small> نامه نوشته بود: أما بعد فإن الرائد لا يكذب أهله، إن جمع أهل الكوفة معك فاقبل حين تقرأ كتابي والسلام عليك. این نامه به گونه دیگری نیز روایت شده است: أما بعد فإن الرائد لا يكذب أهله وقد بايعني من أهل الكوفة ثمانية عشر ألفاً فعجل الإقبال حين يأتيك كتابي فإن الناس كلهم معك ليس لهم في آل معاوية رأي ولا هوى والسلام. ^۱	مسلم بن عقیل که خود شاهد تحولات کوفه و بیعت مردم بود، اطمینان حاصل کرده بود که جمیع اهل کوفه در همراهی امام حسین <small>علیه السلام</small> متفق هستند و تمایل و علاقه‌ای به آل معاویه ندارند. این مطلب نشانگر اجتماع مردم کوفه - که از مهم‌ترین نقاط جهان اسلام در آن عصر بود - حول امام <small>علیه السلام</small> است.	اجتماع حول امام معصوم <small>علیه السلام</small> (۱۸j)
۱۷	امام حسین <small>علیه السلام</small> در پاسخ به شخصی که نگران جان آن حضرت بود: فضرب بالسوط على عيبة قد حقبها خلفه وقال هذه كتب وجوه أهل المصر. ^۲	نامه‌های بزرگان کوفه، که هم‌رأیی و هم‌سوئی ایشان در دعوت از امام <small>علیه السلام</small> را نشان می‌دهد، به نوعی نمایانگر اجتماع «ملائکم، وذوي الحجی والفضل منکم» است.	همراهی بزرگان و خواص (۱۳k)
۱۸	در برخورد دیگری، هنگامی که کسی متعرض تعداد اندک همراهان امام <small>علیه السلام</small> شد، آن حضرت باز هم به کوله‌باری اشاره کرد و فرمود: إن هذه مملوءة كتباً. ^۳	مطابق با گزارش‌های تاریخی، امام حسین <small>علیه السلام</small> در چند مورد به تعداد بسیار بالای نامه‌های دریافت‌شده از مردم اشاره می‌کند که همین موضوع،	نقش کثرت یاوران در اجتماع حول امام <small>علیه السلام</small> (۱۹j)

۱. محمدی ری شهری، محمد، دانشنامه امام حسین علیه السلام، ۱۴۸/۴.

۲. ابن اثیر، عزالدین، الكامل فی التاریخ، ۳۸۹/۲.

۳. مقرم، عبدالرزاق، مقتل الحسین علیه السلام، ص ۱۸۴.

ردیف	عبارت	دلالت‌های اولیه در مورد حفظ جماعت	گزاره‌های دلالتی پایه
۱۹	امام حسین <small>علیه السلام</small> خطاب به حرّ بن یزید ریاحی: ... یا ابن الحرفین مصرکم هذه کتبوا إليّ وخبروني أنهم مجتمعون علی نصرتي، وأن يقوموا دوني ويقاتلوا عدوي، وأنهم سأألوني القدوم عليهم، فقدمت، ولست أدري القوم علی ما زعموا، لأنهم قد أعانوا علی قتل ابن عمي مسلم بن عقيل رحمه الله وشيعته وأجمعوا علی ابن مرجانة عبید الله بن زیاد یبایعني لیزید بن معاوية... ^۱	کوفیان پیمان شکستند و اجتماعی را که حول سیدالشهدا <small>علیه السلام</small> ایجاد شده بود ترک کرده، حول عبیدالله بن زیاد اجتماع کردند. پس اجتماع می‌تواند در خدمت امام معصوم <small>علیه السلام</small> و یا علیه او و در خدمت دشمنان او قرار گیرد.	اجتماع؛ در خدمت امام معصوم <small>علیه السلام</small> یا دشمن او (۱۴ک)
۲۰	نامه به بزرگان کوفه در هنگام مواجهه با حرّ بن یزید ریاحی: ... و أنا أحقّ بهذا الأمر لقربتي من رسول الله <small>صلی الله علیه و آله و سلم</small> ، و قد أتتني کتبکم، و قدمت عليّ رسلکم ببيعتکم أنکم لا تسلّموني و لا تخذلوني، فإن وفیتم لي ببيعتکم فقد استوفیتم حقکم و حظکم و رشدکم، و نفسی مع أنفسکم، و أهلي و ولدي مع أهلي و ولدي مع أهليکم و أولادکم... ^۲ و ^۳	۱. امام حسین <small>علیه السلام</small> خود را شایسته‌ترین فرد برای قیام علیه طاغوت و تشکیل حکومت معرفی می‌فرماید. از این جهت، حفظ جماعت با امر خلافت در پیوند است. ۲. شاید عالی‌ترین مرتبه این اجتماع، عبارت مورد اشاره امام <small>علیه السلام</small> در این نقل باشد: «ونفسي مع أنفسکم، و أهلي و ولدي مع أهليکم و أولادکم». حضرت به شرط وفای به عهد کوفیان، نفس	استیفای حقوق و رشد، در گرو وفای به عهد با امام <small>علیه السلام</small> (۲۰ه) ارتقا و تعالی اجتماع به سطح معیت نفس امام <small>علیه السلام</small> با نفس یاران و اهل او با اهل یاران (۲۱ج)

۱. ابن اثیر، عزالدین، الكامل فی التاريخ، ۴۱۲/۲.

۲. همان، ۴۲۵/۲.

۳. ابن اعثم کوفی، ابومحمد احمد، الفتوح، ۸۱/۵.

ردیف	عبارت	دلالت‌های اولیه در مورد حفظ جماعت	گزاره‌های دلالتی پایه
		خویش را در کنار نفوس ایشان و اهل و اولاد خود را در کنار اهل و اولاد ایشان قرار می‌دهد. استیفای حقوق، حظ و رشد مردم، در گرو وفای به عهد آنان با امام <small>علیه السلام</small> است.	
۲۱	عن الحسين بن علي <small>عليه السلام</small> : تواصلوا وتبازوا، فو الذي فلق الحبة وبرأ النسمة ليأتين عليكم وقت لا يجد أحدكم لديناره ولا لدرهمه موضعاً. ^۱	سید الشهداء <small>علیه السلام</small> پس از سفارش به ایحاد پیوند، به نیکی متقابل امر می‌فرماید.	امر به پیوند و نیکی متقابل (۱۵k)
۲۲	پس از رسیدن خبر شهادت مسلم و عبدالله بن بقطر، امام <small>علیه السلام</small> از شهادت ایشان و ترک شدن توسط مردم خبر داد و فرمود: فمن أحب منكم الإنصاف فلينصرف ليس عليه منّا ذمام. ^۲ تاریخ این‌گونه نقل می‌کند که: تفرق الناس عنه تفرقاً... حتى بقي في أصحابه الذين جاءوا معه من المدينة. ^۴	با دشوار شدن شرایط، امام <small>علیه السلام</small> غربال و خالص‌سازی جمع یاران را در پیش می‌گیرد و می‌فرماید: هرکس که به هر علت، بازگشت را دوست دارد، بازگردد. این نقل حاکی از آن است که در شدايد، اجتماع‌کنندگان حول امام <small>علیه السلام</small> ، باید محبتان حقیقی و وفاداران به آن حضرت باشند.	در شرایط دشوار، اجتماع‌کنندگان حول امام <small>علیه السلام</small> باید محبتان حقیقی او باشند (۲۲z)

۱. ابن اثیر، عزالدین، الكامل فی التاریخ، ۷۴۰/۲.

۲. سماوی، محمد، إِبصار العین فی أنصار الحسین علیه السلام، ص ۸۷.

۳. طباطبایی حکیم، محمد سعید، فاجعة الطف، ص ۳۱.

۴. عسکری، مرتضی، معالم المدرستین، ۸۲/۲.

ردیف	عبارت	دلالت‌های اولیه در مورد حفظ جماعت	گزاره‌های دلالتی پایه
۲۳	<p>قال الإمام الحسين <small>عليه السلام</small> : والذي نفس حسين بيده لا يهنئ بني أمية ملكهم حتى يقتلوني وهم قاتلي فلو قد قتلوني لم يصلوا جميعا أبدا!^۱</p> <p>قال الإمام الحسين <small>عليه السلام</small> : والذي نفس حسين بيده لا يهنئ بني أمية ملكهم حتى يقتلوني وهم قاتلي فلو قد قتلوني لم يصلوا جميعا أبدا!^۲</p>	<p>این روایت که به دو صورت (با اختلاف بسیار جزئی) نقل شده است، اشاره به آن دارد که حتی بنی‌امیه نیز پس از به شهادت رساندن آن حضرت، دچار تفرقه و تشتت درونی خواهند شد. بنا به نقل اول، قاتلان سیدالشهدا <small>عليه السلام</small> پس از جنایت خود، موفق نخواهند شد نماز جماعتی برگزار کنند؛ و بنا به نقل دوم روایت، بنی‌امیه پس از به شهادت رساندن امام حسین <small>عليه السلام</small>، نسبت به یکدیگر صله و نیکی به جا نخواهند آورد. هر دو صورت، بر تفرقه و ازهم‌گسیختگی درونی دلالت دارد.</p>	<p>قتل امام <small>عليه السلام</small>، به تفرقه درونی قاتلان می‌انجامد. (۷t)</p>

با کنار هم قرار دادن گزاره‌های دلالتی پایه، تصویری همگون و چندوجهی از مفهوم جماعت و اجتماع در گستره نهضت سیدالشهدا عليه السلام به دست می‌آید. در فرایند کدگذاری، کدها در سه دسته جای گرفته‌اند: نخست، z که بیانگر ارتباط گزاره دلالتی پایه با اجتماع حول امام عليه السلام است؛ دوم، k که حفظ جماعت را در معنای کلی و با ابعاد گوناگون و خصوصیات آن مدنظر دارد؛ و سوم، t که نماینده گزاره‌های مرتبط با تفرقه است. در ادامه، تمامی این گزاره‌ها به صورتی منسجم، ارائه و جمع‌بندی خواهند شد.

۱. مجلسی، محمدباقر، بحارالأنوار، ۸۸/۴۵.

۲. ابن قولویه، جعفر بن محمد، کامل الزیارات (ترجمه عبدالحسین امینی و غلامرضا عرفانیان یزدی)، ۷۴/۱.

با در کنار هم قرار دادن گزاره‌های دلالتی پایه می‌توان دانست که محور جماعت مورد نظر اسلام، شخص امام معصوم علیه السلام معرفی شده است (۱j) (۶j) (۱۵j) (۱۸j). حضور مردم و اجتماع ایشان حول امام علیه السلام حایز اهمیت بوده و امام علیه السلام آن را نادیده نمی‌گیرد (۱۷j). لازمه این حضور، سازگاری اجتماعی مردم و اطاعت‌پذیری آنان نسبت به معصوم علیه السلام است (۱۴j). کسانی می‌توانند در شرایط دشوار حول امام علیه السلام اجتماع کنند که محبت حقیقی ایشان باشند (۲۲j). اجتماع حول امام معصوم علیه السلام دارای لوازمی است و ابتلا و اختبار از جمله این لوازم است (۲j) (۴j). صبر بر ابتلائات در همراهی با امام علیه السلام، معیاری برای دین‌داری است (۵j). همچنین لوازم دیگری از جمله لزوم فهم کلام امام علیه السلام و اطاعت از اوامر او (۷j)، پراکندگی از گرد دشمنان امام علیه السلام (۱۲j) و نفی طاغوت (۱۳j) را می‌توان برشمرد. اجتماع حول امام معصوم علیه السلام دارای غایاتی است که عبارت هستند از: طلب حق، نصرت و هدایت (۷j) (۸j) (۱۶j)؛ توضیح آن‌که، مردم برای استیفای حق و حفظ و رشدشان باید حول امام معصوم علیه السلام جمع شده، به بیعت و عهد خود با او وفادار بمانند (۲۰j) و دست‌یابی به این اهداف تنها از رهگذر نصرت امام علیه السلام و طلب حق او امکان‌پذیر است. در واقع، استیفای حق و حفظ مردم و هدایت ایشان به سبیل رشد، در گرو نصرت امام علیه السلام و طلب حق الهی اوست (۱۱j). یکی از ثمرات اجتماع حول امام معصوم علیه السلام، امنیت در دنیا و آخرت عنوان شده است (۳j) و چنین جماعتی هم‌نشین تقواست (۹j). کثرت یاوران، در تقویت اجتماع حول امام علیه السلام مؤثر است (۱۹j) و به نظر می‌رسد، مؤمنان درباره جذب برادران غیر شیعه در اجتماع خود حول امام علیه السلام وظیفه دارند (۱۱k). یکی از سنجه‌های حفظ جماعت مسلمین، خوف از خدا و قیامت است (۱۰k). این اجتماع در سایه عنایت امام معصوم علیه السلام می‌تواند به سطحی تعالی‌یابد که معیت نفس امام علیه السلام با نفوس اجتماع‌کنندگان حول او و نیز اهل امام علیه السلام با اهل اجتماع‌کنندگان حول او را در پی داشته باشد (۲۱j).

حفظ جماعت بسته به محور آن، می‌تواند در خدمت امام معصوم علیه السلام یا دشمنان ایشان باشد (۱۴k). در حفظ جماعت، باید بر اصول مشترک تأکید کرد (۲k).

البته حفظ جماعت به معنای دست شستن و چشم‌پوشی از مرزبندی‌های اعتقادی نیست (۳k)؛ هرچند باید عنصر مصلحت و قاعده‌اهم و مهم در آن رعایت شود (۴k) و ملاحظات مربوط به مخاطبان حفظ جماعت و نیز تقیۀ مداراتی مورد توجه قرار گیرد (۵k). کتاب و سنت، اساس حفظ جماعت است (۶k) و نتیجۀ جماعت، زدودن بدعت است (۷k). اجتماع و جماعت، محدود به قشری خاص نیست و طیف‌های مختلف مسلمین، می‌توانند مخاطب آن قرار گیرند (۸k). حفظ جماعت، معطوف به ساحت عمل است و حسن رأی، نقش مقدمه‌سازی برای آن را دارد (۱۲k). حفظ جماعت مسلمین مبتنی بر ایجاد پیوند و نیکی متقابل است (۱۵k). آنچه از لوازم حفظ جماعت به معنای عام آن بیان شده، عبارت است از: فاصله گرفتن و مرزبندی صریح نسبت به دشمن (۹k)، هماهنگی توده‌های مردم، بزرگان و خردمندان و همراهی خواص و چهره‌های سرشناس (۱k) (۱۳k).

باید جماعت را در برابر تفرقه و اختلاف، حفظ کرد. تفرقه باعث تقویت ظالمان و خاموش گشتن نور پیامبر ﷺ می‌شود (۱t)؛ همچنین خذلان امام علیؑ و تضییع حق او و عدم حفاظت از او را در پی دارد (۲t). پراکندگی از دور حق و اختلاف در سنت نبوی، باعث سلب منزلت و جایگاه علما می‌شود (۳t). عامل اصلی فتنه‌ها و تنازعات، دشمن و دشمنی اوست (۴t). امام علیؑ چنان جایگاه محوری‌ای دارد که دشمنان خدا نیز بر اثر به شهادت رساندن ایشان، دچار تفرقه و تنازع درونی می‌گردند (۷t). اگر کسی واقعاً به سوی خدا و عمل صالح دعوت کرده و همچنین خود را مسلمان معرفی کند، نمی‌توان او را به تفرقه‌افکنی متهم کرد (۵t). امام حسین علیؑ نیز اتهامات بی‌اساس بنی‌امیه مبنی بر وحدت‌شکنی و برهم زدن جماعت مسلمین را رد می‌کرد (۶t).

نتیجه‌گیری

هرچند تأکیدات ویژه‌ای بر مفهوم کلیدی «وحدت» در منابع دینی موجود است، اما با توجه به بار معنایی خاص این لغت و همچنین عدم کاربرد روایی و تاریخی

این واژه در معنای مورد نظر، پژوهشگران در این مقاله از واژه‌های «جماعت» و «اجتماع» استفاده کرده‌اند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد علی‌رغم اتهاماتی بی‌پایه و اساس مبنی بر بی‌توجهی به جماعت مسلمین و تفرقه‌افکنی در میان آنان که دستگاه تبلیغاتی اموی و برخی چهره‌ها متوجه حرکت امام حسین علیه السلام ساخته و عده‌ای در طول تاریخ آن را تکرار کرده‌اند، آن حضرت درست مانند پدر بزرگوار خویش، امیرمؤمنان علیه السلام، نه تنها انسجام مسلمانان را مورد توجه قرار داده، که به اقتضای مجموعه شرایط، در پی تحقق اصولی آن - که اجتماع مردم حول امام بر حق است - برآمده‌اند. در واقع این دشمنان خدا و حاکمان جائر بودند که با پراکنده ساختن مردم از گرد امام معصوم علیه السلام، باعث ایجاد شقاق و ازهم‌گسیختگی جامعه مسلمین شدند.^۱ اساساً فلسفه حفظ جماعت مسلمین، حفاظت از اصل اسلام است. بنابراین در صورتی که امام علیه السلام تشخیص دهد عدم خروج علیه نظم و جماعت ظاهری شکل گرفته به محوریت طاغوت، به معنای از دست رفتن اصل و اساس اسلام است، چنین نظمی را برنتابیده و علیه آن اقدام خواهد کرد.

در این پژوهش نشان داده شد که نهضت سیدالشهدا علیه السلام با دعوت به اجتماع حول امام معصوم علیه السلام همراه بوده و چنین اجتماعی، علاوه بر این‌که با مؤلفه‌های ویژه‌ای در پیوند است، دارای لوازم و نتایج خاصی است. از جمله این مؤلفه‌های ویژه می‌توان به صبر، تقوا، خوف از خدا و قیامت، پایبندی به مرزبندی‌های اعتقادی، مصلحت و مدارا و نیز محوریت کتاب و سنت اشاره کرد. برخی از لوازم گفته شده عبارت هستند از: اطاعت‌پذیری و فهم کلام معصوم علیه السلام، ابتلا و اختبار، برائت و نفی طاغوت، تأکید بر اصول مشترک و همچنین هماهنگی مردم و خواص. در آخر تعدادی از نتایج این اجتماع را می‌توان چنین برشمرد: طلب حق و نصرت امام علیه السلام، هدایت و رشد، استیفای حقوق و حظ، امنیت دنیا و آخرت، زدودن بدعت، نشانیدن علما در منزلت حقیقی خود و جلوگیری

۱. المشهدی، محمد بن جعفر، المزار الکبیر، ص ۳۷۶.

از خاموش شدن نور پیامبر ﷺ و خذلان امام علیؑ. از طرفی، باید توجه داشت بیعت اهل کوفه - به عنوان یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین نقاط جهان اسلام در آن عصر - با امام حسین علیؑ، بیانگر این مسئله است که چنانچه مردم به همراهی خود ادامه داده و نسبت به عهد خود وفادار می‌ماندند، اجتماعی فراگیر حول امام حسین علیؑ با مختصات مدنظر آن حضرت شکل می‌گرفت که می‌توانست مسیر تاریخ را دگرگون سازد و اشاره‌های متعدد امام علیؑ به نامه‌ها و بیعت جمع کثیری از مردم با ایشان، معنایی جز این ندارد که براندازی حکومت بنی‌امیه و تشکیل حکومت اسلامی به هیچ وجه، دور از انتظار نبوده است. در نهایت، ذکر این نکته لازم است که حفظ جماعت مسلمین و یا تشکیل حکومت اسلامی، هر دو نقشی ابزاری داشته و در راستای حفظ اسلام - که بالاترین ارزش در نظام اولویت‌هاست - ارزیابی می‌شود.

فهرست منابع

کتاب‌ها

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

ابن‌العربی، ابوبکر، العواصم من القواصم، چاپ اول، مطبعة سلفیه، قاهره، ۱۳۰۰ق.

ابن‌قولویه، جعفر بن محمد، کامل الزیارات، ترجمه: عبدالحسین امینی و غلامرضا عرفانیان یزدی، چاپ اول، المطبعة المبارکة المرتضویه، نجف، ۱۳۵۶ش.

ابن‌اثیر، عزالدین، الكامل فی التاریخ، چاپ اول، دار صادر، بیروت، ۱۳۸۵ق.

خزاز رازی، علی بن محمد، کفایه الاثر فی النص علی الائمة الاثنی عشر، بیدار، قم، ۱۴۰۱ق.

معین، محمد، فرهنگ فارسی، چاپ ششم، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۳ش.

حرانی، ابن‌شعبه، تحف العقول عن آل الرسول ﷺ، علی‌اکبر غفاری، چاپ دوم، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، ۱۳۶۳ش.

کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، چاپ چهارم، دارالکتب الإسلامیة، تهران، ۱۴۰۷ق.

نوری، حسین بن محمدتقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، چاپ اول، مؤسسه آل‌البيت لاحیاء التراث، بیروت، ۱۴۰۸ق.

شوشتری، نورالله بن شریف‌الدین، احقاق الحق و ازهاق الباطل، کتابخانه عمومی حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی، قم، ۱۴۰۹ق.

ابن اعثم کوفی، ابومحمد احمد، الفتوح، چاپ اول، دار الاضواء، بیروت، ۱۴۱۱ق.

عسکری، مرتضی، معالم المدرستین، چاپ چهارم، مؤسسة البعثة، تهران، ۱۴۱۲ق.

مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، چاپ اول، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۱۳ق.

بحرانی، سید هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن چاپ اول، البعثة، قم، ۱۴۱۵ق.

حویزی، عبدعلی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، چاپ چهارم، اسماعیلیان، قم، ۱۴۱۵ق.

ابن بابویه، محمد بن علی، آمالی، چاپ ششم، البعثة، قم، ۱۴۱۷ق.

حسینی موسوی حائری، محمد بن ابی طالب، تسلیة المجالس و زینة المجالس الموسوم بمقتل الحسین علیه السلام، چاپ اول، مؤسسة المعارف الاسلامیه، قم، ۱۴۱۸ق.

المشهدی، محمد بن جعفر، المزار الكبير، چاپ اول، مؤسسة النشر الاسلامی، قم، ۱۴۱۹ق.

سماوی، محمد، إِبصار العین فی أنصار الحسین علیه السلام، چاپ اول، مرکز الدراسات الاسلامیه للمثله الولیّ الفقیه فی حرس الثورة الاسلامیه، قم، ۱۴۱۹ق.

طریحی، فخرالدین بن محمد، المنتخب للطریحی فی جمع المراثی و الخطب المشتهر بالفخری، چاپ دوم، شریف الرضی، قم، ۱۳۷۸ش.

الهامی نیا، علی اصغر، عبرت‌های عاشورا، چاپ اول، زمزم هدایت‌تهران، ۱۳۸۰ش.

قمی، شیخ عباس، منتهی الآمال فی تواریخ النبی و الآل (صلوات الله و سلامه علیهم)، چاپ پنجم، مؤسسة النشر الاسلامی، قم، ۱۴۲۲ق.

الخصیبی، حسین بن حمدان، هداية الكبرى، چاپ اول، مؤسسة الصادق، تهران، ۱۳۸۰ش.

دائرة المعارف بزرگ اسلامی، دانشنامه بزرگ اسلامی، چاپ اول، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، تهران، ۱۳۸۰ش.

خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین علیه السلام، چاپ دوم، انوار الهدی، قم، ۱۳۸۱ش.

ابن طاووس، علی بن موسی، اللهوف علی قتلی الطفوف، چاپ چهارم، اسوه، تهران، ۱۳۸۳ش.

مقرم، عبدالرزاق، مقتل الحسین علیه السلام، چاپ اول، مؤسسة الخرسان، بیروت، ۱۴۲۶ق.

معتمدالدوله، فرهاد میرزا، قَمَمَاقِ زَنخار وَ صَمَمَاقِ بَنارِ در احوالات حضرت مؤلّی الكوئین أبی عبد الله الحسین علیه السلام، چاپ چهارم کتابچی، تهران، ۱۳۸۶ش.

محمدی ری شهری، محمد، دانشنامه امام حسین علیه السلام، چاپ اول، دار الحدیث، قم، ۱۳۸۸ ش.

محمدی ری شهری، محمد، موسوعة الإمام الحسين علیه السلام في الكتاب والسنة والتاريخ، چاپ اول، دار الحدیث، قم، ۱۴۳۱ ق.

داوودی، سعید و رستم نژاد، مهدی، عاشورا ریشه ها، انگیزه ها، رویدادها، پیامدها، چاپ پنجم امام علی بن ابی طالب، قم، ۱۳۹۱ ش.

روح بخش، عباس، حسین شهید راه امامت: به ضمیمه تئوری وحدت علوی، چاپ اول، پارسیران، مشهد، ۱۳۹۱ ش.

طباطبایی حکیم، محمد سعید، فاجعة الطف، چاپ چهارم، دار الهلال، قم، ۱۴۳۴ ق. آقانووری، علی، امامان شیعه و وحدت اسلامی، چاپ اول، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ۱۳۹۶ ش.

حکیم، سید محمدباقر، وحدت اسلامی از دیدگاه قرآن و عترت، چاپ اول، بوستان کتاب، قم، ۱۳۹۹ ش.

مقالات

مربجی، شمس الله، «عاشورا پیامد تغییر ارزش ها»، معرفت، شماره ۵۶، ۱۳۸۱ ش.
مصباح یزدی، محمد تقی، «اخلاق و عرفان اسلامی»، معرفت، شماره ۶۳، ۱۳۸۱ ش.
قربان علی، هادی، «تأثیرات عاشورا در وحدت مسلمانان»، اندیشه تقریب، شماره ۲۸، ۱۳۹۰ ش.

قائمی، سیدرضا و رضوی، رسول، «بررسی نقش طرف داران بنی امیه در ترویج نظریه جبر»، تاریخ اسلام، شماره ۵۹، ۱۳۹۳ ش.

دانایی فرد، حسن، «روش شناسی مطالعات دلالت پژوهی در علوم اجتماعی و انسانی: بنیان ها، تعاریف، اهمیت، رویکردها و مراحل اجرا»، روش شناسی علوم انسانی، شماره ۸۶، ۱۳۹۵ ش.